



معاونت فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران

پورسینا

عکس جلد از پری ناز جعفری

ورودی ۴۰۰ معماری؛ دانشگاه علم و صنعت

• مدیرمسئول: امیررضا جلیلی سیلاب

• سردبیر: ستاره آزاد

• صاحب امتیاز: کانون خبرنگاران سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی

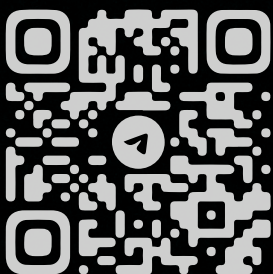
• شماره سوم؛ سال اول؛ چهارم آذرماه ۱۴۰۴

• طراح جلد و صفحه آرا: محمد ابراهیم نورالهی

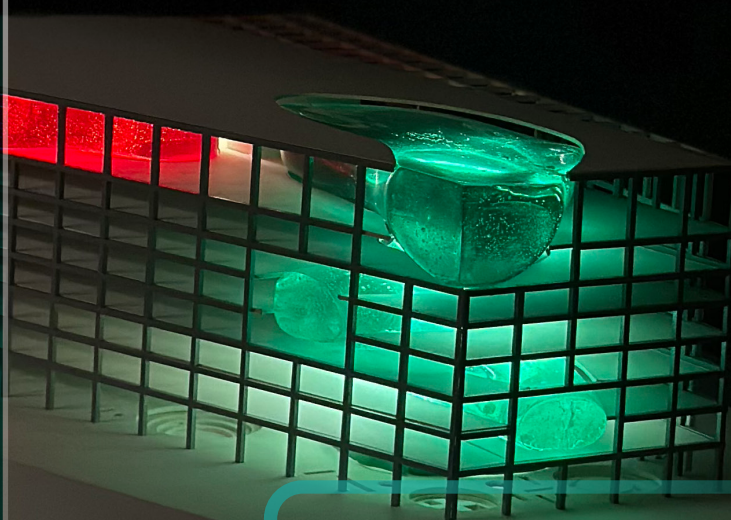
با همکاری معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی تهران

سخن سردبیر

در این شماره از پورسینا تلاش کردیم دغدغه های شما را از زاویه ای تازه ببینیم. صدای زنانی شدیم که روایتشان را سال ها زیر لب گفته اند و از میان فلسفه و هنر گذر کردیم تا بندهای فرمز احساسمان را به دنیای عجیب هنر هفتم گره بزنیم. رد خبرهایی را دنبال کردیم که این روزها در گوش هایمان زمزمه می شوند و با امید ساختن شماره ای شایسته از پورسینا، کلمات را روی کاغذ رقصانیدیم و از میان آن ها روایتی ساختیم. این شماره را با احترام تقدیم می کنیم به دوستانمان در دانشکده هنرهای زیبا و به شما که پورسینا را نه یک روزنامه، که خانه ای روشن می دانید.



کانال تلگرام پورسینا



در پرونده ویژه این هفته بخوانید

هنرهای نازیبا؛ ازدحام یا حاشیه؟!

توقف ناگهانی «هفته دیزاین تهران» در دانشگاه تهران، در حالی اعلام شد که موجی از شایعات، نقدها و واکنش های تند دانشجویی فضای دانشگاه را فرا گرفته بود. از ویدیوی جنجالی جمعه تا بیانیه های متناقض تشکل ها، روایت های متعددی درباره پشت پرده این تصمیم شکل گرفت. پرونده ویژه این هفته، روند شکل گیری این حواشی و کشمکش های پیرامون آن را بازخوانی می کند.

خونه همسایه چه خبر؟!

سلف مکمل دانشگاه شریف؛

بررسی ورود شرکت‌های بزرگ به چرخه تغذیه دانشجویی

مبینا زارعی

پزشکی ۱۴۰۳



با این حال، بازخورد دانشجویان نسبت به طرح جدید یکدست نیست. گروهی بر این باورند که اگر همین سرمایه و انرژی به‌ویژه سرمایه‌ای که کاله به‌عنوان یک برند بزرگ ملی وارد میدان کرده—صرف به‌بود سلف مرکزی می‌شد، نتیجه‌ای به‌صرفه‌تر و عادلانه‌تر برای همه دانشجویان رقم می‌خورد؛ به‌ویژه آنکه کیفیت برخی از غذاهای سلف مکمل نیز همواره بالاتر از نمونه‌های سلف مرکزی نیست. در مقابل، عده‌ای دیگر از دانشجویان از تنوع و کیفیت بهتر این سلف استقبال کرده‌اند و حضور یک شرکت بزرگ را عاملی برای ارتقای استانداردها و پایان دادن به یکنواختی همیشگی غذای دانشگاه می‌دانند.

با این همه، یک نکته کاملاً مورد توافق و بحث همگان است: راه‌اندازی سلف مکمل فضایی تازه از رقابت ایجاد کرده؛ رقابتی که سلف مرکزی را نیز به تکاپو انداخته تا کیفیت غذای خود را ارتقا دهد—رخدادی که بسیاری آن را مهم‌ترین دستاورد این طرح می‌دانند و معتقدند ورود کاله نقش محرک اصلی آن بوده است؛ گویی حضور این برند، استاندارد تازه‌ای را به دانشگاه یادآوری کرده است.

اما مسئله اصلی فراتر از این رقابت است. اکنون این پرسش با صدای بلندتری شنیده می‌شود که آیا زمان عبور از الگوی «سلف کمونیستی» و یکسان‌سازی اجباری تغذیه دانشجویی فرا نرسیده است؟ بسیاری معتقدند کیفیت تغذیه دانشجویان به‌خصوص دانشجویان خوابگاهی که همه وعده‌های خود را از سلف دریافت می‌کنند—نیازمند بازنگری جدی است. فقدان مواد مغذی کافی، عدم رعایت بهداشت، استفاده از مواد اولیه درجه چندم، یکنواختی طولانی‌مدت و مشکلات گسترده در توزیع وعده‌ها می‌تواند در آینده سلامت جسمی و تغذیه‌ای دانشجویان را تهدید کند.

به نظر می‌رسد «سلف مکمل» تنها یک تجربه نوآورانه نیست؛ بلکه نقطه آغاز گفت‌وگویی بزرگ‌تر درباره آینده تغذیه دانشگاهی است. گفت‌وگویی که اگر جدی گرفته شود—و با مشارکت آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تر شرکت‌های بزرگ غذایی مانند کاله ادامه یابد—می‌تواند کیفیت زندگی دانشجویان را به شکل معناداری دگرگون سازد.

با راه‌اندازی «سلف مکمل» در دانشگاه صنعتی شریف، یکی از تازه‌ترین ابتکارها در حوزه تغذیه دانشجویی شکل گرفته است؛ ابتکاری که این‌بار نه فقط محصول تلاش داخلی دانشگاه، بلکه نتیجه ورود یکی از بازیگران جدی و باسابقه صنعت غذایی کشور—شرکت کاله—به فضای دانشگاهی است. حضور کاله در این پروژه تنها یک همکاری تجاری ساده نیست؛ بسیاری آن را نخستین قدم رسمی یک برند بزرگ برای اثرگذاری مستقیم بر تجربه روزمره تغذیه دانشجویان می‌دانند.

این طرح که با مشارکت گسترده کاله اجرا شده، در کنار سلف مرکزی دانشگاه به فعالیت پرداخته و می‌کوشد مجموعه‌ای متنوع‌تر و باکیفیت‌تر از غذا را—البته با قیمتی بالاتر—به دانشجویان عرضه کند. نقش این شرکت در طراحی بسته‌های غذایی، تنظیم استانداردها و مدیریت کیفیت، باعث شده برخی دانشجویان از آن به‌عنوان «ورود صنعت به آشپزخانه دانشگاه» یاد کنند.

در حالی که غذای یارانه‌ای وزارت علوم با نرخ حدود ۲۲ هزار تومان ارائه می‌شود، سلف مکمل بسته‌های غذایی خود را در بازه ۳۰ تا ۸۰ هزار تومان عرضه می‌کند؛ افزایشی که مدیران طرح—و به‌ویژه نمایندگان کاله—آن را نتیجه طبیعی مواد اولیه بهتر، کنترل کیفی دقیق‌تر و افزودن اقلام جانبی مانند نوشیدنی، سالاد و مخلفات می‌دانند. توزیع این غذا در سلف مرکزی و سلف خوابگاه انجام می‌شود و رزرو آن نیز از طریق سامانه رسمی دانشگاه صورت می‌گیرد.

اما در کنار این استدلال رسمی، یک پرسش جدی میان دانشجویان زمزمه می‌شود: آیا واقعاً کیفیت بالاتر، دلیل اصلی این افزایش قیمت است؟

یا اینکه برندسازی یک شرکت بزرگ، بسته‌بندی شکیل‌تر و افزودن مخلفات ظاهراً جذاب بخشی از این هزینه را بالا برده است؟ برخی دانشجویان معتقدند که گاهی «خوب دیده شدن» با «خوب بودن» اشتباه گرفته می‌شود و هنوز مشخص نیست چقدر از این گرانی، به‌خاطر کیفیت واقعی است و چقدر نتیجه ورود یک برند نام‌آشنا به سفره دانشگاه.

بحران آب در خوابگاه‌ها؛

مدیریت نمایشی یا پیشگیری ناکافی؟

دانیال بابایی

مهندسی بهداشت محیط ۱۴۰۰



آب خوابگاه‌ها شب‌ها تنها از منابع ذخیره تأمین می‌شود؛ این محدودیت، ضرورت کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد اما پرسش‌هایی درباره برنامه‌ریزی کلان و پیامدهای بهداشتی ایجاد کرده است.

با شدت گرفتن بحران کم‌آبی در کشور، شورای صنفی دانشگاه علوم پزشکی تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که با توجه به کمبود شدید آب، از امروز تا زمان بارش باران، آب خوابگاه‌ها از ساعت ۲۲:۰۰ تا ۰۶:۰۰ صبح فقط از منبع ذخیره تأمین می‌شود. این اقدام، هرچند به طور موقت نیازهای ضروری را تأمین می‌کند، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاح زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی بلندمدت مدیریت آب شود.

این سؤال مطرح است که با اطلاع قبلی از کاهش منابع آبی، چرا تدابیر پیشگیرانه در خصوص توزیع آب و اصلاح شبکه‌های فرسوده شهری به موقع انجام نگرفت؟ توزیع نامناسب و ناکافی و سیستم‌های قدیمی آبرسانی، فشار بر منابع محدود را بیشتر می‌کند و حتی تلاش دانشجویان برای مدیریت مصرف، تنها بخشی از مشکل را کاهش می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی دقیق، ارتقای شبکه‌های توزیع و فرهنگ‌سازی مصرف صحیح آب، روش‌های مؤثرتری برای مقابله با کم‌آبی هستند. محدود کردن مصرف در بازه زمانی مشخص، اگرچه ضروری است، راه‌حلی موقتی محسوب می‌شود و بدون اصلاح ساختاری، بحران ادامه خواهد داشت.

از سوی دیگر، این وضعیت می‌تواند سلامت دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد. دسترسی محدود به آب سالم و کافی، که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت انسان است، ممکن است بهداشت فردی و سلامت را به خطر بیندازد.

در نهایت ناگزیر هستیم برای ادامه فعالیت و تأمین نیازهای اولیه، صرفه‌جویی در مصرف آب داشته باشیم، اما آنچه اکنون به عنوان صرفه‌جویی انجام می‌شود، هیچ جایگزینی برای برنامه‌ریزی جامع و اصلاح زیرساخت‌ها نیست.

این روزها دانشگاه چه خبر؟

این هفته، دانشگاه روی دور تند

علی محمودی
پزشکی ۴۰۱



کانون خیریه مهربانی جهاد

بازارچه خیریه لبخند پاییز

۱۱ تا ۱۹ آذرماه ۱۴۰۴

سیتی دانشکده پزشکی

کانون نبض اندیشه؛ باشگاه کتابخوانی بروکا

۹ داستان از ۲۱ داستان نویسندگان معاصر فرانسه

یکشنبه ۹ آذرماه؛ ساعت ۱۶:۳۰

کتابخانه دانشکده پزشکی؛ میز کنفرانس

کانون موسیقی چکامه

سمفونی درون

دوشنبه ۱۰ آذرماه؛ ساعت ۱۸ تا ۱۶

تالار ابن سینا

کانون ادبی سپا

اکران فیلم F1

دوشنبه ۱۰ آذرماه؛ ساعت ۱۵

تالار دانشجو

آیین نوورودی

..... انجمن اسلامی دانشجویان.....

دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

علی محمودی
پزشکی ۴۰۱



در فضایی پرنشاط و صمیمی، آیین نوورودی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران واقع در کرج برگزار شد.

همچنین در کارگروه زنان، گفتگویی درباره جامعه و نقش زنان در امور اقتصادی، سیاسی و علمی شکل گرفت و دانشجویان نظرات و تجربه زیسته خود را بیان کردند. این جلسات فرصتی برای هم‌فکری و شکل‌گیری گفت‌وگوی دانشجویی فراهم آورد.

در پایان، بازدید از باغ بوتانیک و موزه جانورشناسی، بخش علمی برنامه را تکمیل کرد و لحظات مفرحی را برای دانشجویان رقم زد.

این آیین، با عکس‌یادگاری دسته‌جمعی و اهدای گلدان و بذری سبزی تکمیل شد و با بازگشت به تهران پایان یافت. این رویداد برای بسیاری، آغاز راه فعالیت دانشجویی در دانشگاه تهران شد.



این سفر یک‌روزه با هدف استقبال از دانشجویان نوورود و آشنایی آنان با سابقه و فعالیت‌های انجمن، به یکی از برنامه‌های پرشور آغاز سال تحصیلی تبدیل گردید.

در همان ساعت ابتدایی اردو پس از پذیرش و صرف صبحانه، مراسم با افتتاحیه‌ای آغاز شد؛ ضمن خوشامدگویی، دکتر کیومرث اشترینان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، از علم و علم‌جویی سخن گفت و بر اهمیت مسئولیت اجتماعی دانشجویان تأکید کرد. بعد از آن، اجرای زنده موسیقی سنتی، فضایی گرم و پرشور به مراسم بخشید. در ادامه، دانشجویان از گالری انجمن بازدید کردند و با اسناد تاریخی، عکس‌های یادگاری انجمن، سیر جنبش دانشجویی و مواضع این تشکل آشنا شدند.

بعد از صرف ناهار و اقامه نماز، دو کارگروه ویژه انجمن، هرکدام جلساتی گفت‌وگومحور برگزار کردند. در کارگروه محیط‌زیست، به وضعیت محیط‌زیستی ایران و بحران‌های موجود پرداخته شد.

بازارچه خیریه

«لبخند پاییز»

بهانه‌ای برای نشان دادن لبخند بر چهره کودکان بیمار

مهديه اسماعیل خانی
پزشکی ۴۰۰



برای ادامه برنامه دیدار و اهدای هدیه به کودکان بستری را تأمین کند. حضور و همراهی شما دانشجویان عزیز در این خیریه می‌تواند لبخند را به چهره کودکان بازگرداند که روزهای دشواری را در بیمارستان سپری می‌کنند. پس درنگ نکنید؛ شما هم به این رویداد پاییزی دعوتید.

جوان اختصاص یافته است. علاقه‌مندان می‌توانند با عرضه محصولات و خدمات خود در این غرفه، علاوه بر معرفی کسب و کار خود، بخشی از درآمد خود را به خیریه اختصاص دهند. کانون خیریه روزهای مهربانی که از سال‌ها پیش در زمینه حمایت از کودکان بیمار فعالیت می‌کند، با برگزاری این بازارچه تلاش دارد ضمن ایجاد فضایی گرم و پرشور در دانشکده، منابع مالی لازم

محصولات هنری و صنایع‌دستی، کتاب و همچنین غرفه ویژه کارآفرینی است. تمامی درآمد حاصل از فروش در این بازارچه صرف خرید اسباب‌بازی و هدایایی خواهد شد که در طول سال در طی دیدار با کودکان بستری در بیمارستان‌ها به آن‌ها اهدا می‌گردد.

بخش ویژه بازارچه امسال، غرفه کارآفرینی است که به دانشجویان کارآفرین

«روزهای مهربانی» در میانه فصل خزان، بازارچه خیریه «لبخند پاییز» را با هدف حمایت از کودکان بستری در بیمارستان‌ها برگزار می‌کند. این رویداد سه‌روزه در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه ۹، ۱۰ و ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴ در سیتی دانشکده پزشکی و تالار دکتر معتمدی برگزار خواهد شد. بازارچه شامل غرفه‌های متنوعی از جمله غذا و خوراکی، بازی و سرگرمی،

ننه دلاور و فرزندان او

نقدی بر یک نقد: زندگی مقدس است!

مهديه اسدي

داروسازی ۱۴۰۲



نمایشنامه‌ی ننه دلاور و فرزندان او روایتگر زندگی زنی است ملقب به ننه دلاور، و سه فرزندش، در بحبوحه‌ی جنگ‌های سی‌ساله‌ی اروپا. ننه دلاور زنی زیرک و آینده‌نگر است که برای بقا و کسب سود، با گاری خود در پشت جبهه به تجارت خوراکی و کالا می‌پردازد. او با فروش اجناس به سربازان، زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند. ننه دلاور از راه جنگ امرار معاش می‌کند و بقای او به بقای جنگ گره خورده است.

داستان نمایشنامه، سلسله‌ای از وقایع تراژیک است که ننه دلاور را به رنج از دست دادن یک‌به‌یک فرزندان‌ش می‌کشاند. فرزند نخست زمانی از دست می‌رود که سرگرم فروش کالایی است. فرزند دوم هنگامی کشته می‌شود که مادرش بر سر قیمت خون‌بهای او در حال چانه‌زنی است. فرزند سوم نیز زمانی جان می‌بازد که ننه دلاور برای خرید کالا از مردمی که از بیم جان ناچار به ترک خانه‌های خود شده‌اند، به شهر رفته بود.

سخن گفتن از سوگیری سیاسی برشت بیرون از ظرفیت این نوشتار است، اما نقدی که در پایان ترجمه‌ی فارسی این کتاب به قلم مصطفی رحیمی آمده، درخور تأمل است. او می‌نویسد: «دلاور، دلاوری خود را در راهی به کار می‌گیرد که سرانجامش جز شکست نیست. به راه خطا می‌رود و در پایان نه نانی دارد و نه فرزند. نه به راه مسالمت رفته و نه به راه شرافت. چه شرافتی که وجود خود را وقف ادامه‌ی جنگ کرده است.» با سخنی از داستایوفسکی در جنایت و مکافات پاسخ می‌دهم: «حتی اگر در جهان تنها به اندازه‌ی کف پاهایم جا داشته باشم، در تبه‌ی پر تگه‌ها، باز هم مایلم هزار سال زندگی کنم.»

رحیمی همچنین اشاره می‌کند که: «ننه دلاور، دلاوری خود را در راهی به کار می‌گیرد که با مادری و فضیلت انسانی‌اش در تعارض است.»

رحیمی، شخصیت ننه دلاور را در تعارض با فضیلت انسانی می‌بیند، اما این تفسیر از منظری ایدئالستی به مسئله می‌نگرد. ننه دلاور در پی قهرمانی یا فضیلت نیست؛ او نمایندگی انسان عادی است که در شرایط بحرانی تنها به بقا می‌اندیشد. فضیلت برای او، در حفظ جان و تداوم زندگی فرزندانش معنی می‌شود. شرافت، پیروی از سخنان شورانگیز رادیو و پوسترهایی که برای جذب قهرمانان فریاد می‌زنند نیست. برشت در نمایشنامه‌ی زندگی گالیله از زبان گالیله می‌گوید: «بدبخت ملتی که نیازمند قهرمان است، و این پاسخ اوست به کسی که می‌گوید: «بدبخت ملتی که قهرمان ندارد.»

در همین چارچوب، ننه دلاور نیز قهرمان نیست و قرار نیست باشد. او مادری است که برای حفظ زندگی خود و فرزندانش از هر فرصت ممکن بهره می‌برد. رفتار او نه ناشی از طمع، بلکه نتیجه‌ی ضرورت است. منتقدان که او را به دلیل سودجویی از جنگ نکوهش می‌کنند، نباید انتظار داشته باشند پیرزنی با سه فرزند بنشینند و از فحطی جنگ بمیرد. این واقعیت عریان مادری‌ست.

ننه دلاور در عین کسب معاش از جنگ، آن را محکوم می‌کند. او مردم عادی را بازندگان همیشگی همه‌ی جنگ‌ها می‌داند. در برابر بی‌عدالتی طغیان می‌کند و فرزندانش را از شرکت در جنگ برحذر می‌داشت. این پارادوکس نیست که زنی از جنگ نان بخورد و در دل، جنگ را نفرین کند.

«زندگی به هیچ نمی‌ارزد، اما ارزش هیچ چیز به اندازه‌ی زندگی نیست.»

هیچ چیز — حتی ایده‌های مقدس شرافت و فضیلتی که از رنج انسان تهی‌ست.

تبدیل به ضدضرب صدای گام‌های فراری ژربیه می‌شود. دچار خطا می‌شویم. ژربیه انگار تنهاترین مرد دنیاست. چراغ‌های روشن یک سلمانی را می‌بیند، داخل می‌شود تا نفس تازه کند. تصویر مارشال پتن روی دیوار نگرانش می‌کند نگران آشفته‌گی چهره و نفس‌های نامنظمش است. آرایشگر، خونسرد و ساکت به ژربیه کت جدیدی می‌دهد و کت ژربیه را برای فراری بعدی نگه می‌دارد. فرزند نهضت تولد نهضت را به چشم می‌بیند. می‌بیند که: «نهضت مقاومت عبارت از تمام فرانسوی‌هاییست که نمی‌خواهند فرانسه را با چشم‌هایی مرده و تهی ببینند.» ژربیه تنهاترین مرد جهان نیست. ژربیه عضو ارتشی از سایه‌هاست.



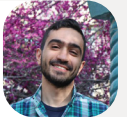
ارتش سایه‌ها شروع به روایت می‌کند روایت مزرعه‌دارهایی که انگلیسی‌ها را به خود پناه می‌دهند. روایت دو برادر که می‌پندارند با هم چیزی را شریک نیستند اما روح برادری هر دویشان را عضوی از نهضت کرده. روایت کلاهی که به احترام صاحبش از جا برمی‌خیزد و روایت ژربیه که برای یک ساعت بیشتر زنده ماندن به حقارتی که در وجودش یافت نمی‌شود تن می‌دهد. همه می‌دانیم و همه می‌بینیم که روح لطمه دیده چقدر پذیرا تر است به عشق. و نتورا یا ژربیه (تفاوتی نمی‌کند، در تمامی فیلم از هم می‌جوشند) در داستان ماتیلد به دنبال جبران صدمات مبارزه می‌گردد. غم‌انگیز است اما فرانسه‌ی ماتم‌زده چنین لطافتی را نمی‌پذیرد. ماتیلد مادرانه خود را فدای نهضت می‌کند، خود را فدای فرزند می‌کند و ژربیه، ژربیه دنیایی را پیش چشمش می‌بیند که دیگر «هیچ چیز در آن مقدس نیست». دنیایی که امروزش ارزش دیدن ندارد.

در اشتباهیم اگر ارتش سایه‌ها را پوستر ضد جنگ و بیانیه محکومیت حکومت‌های تمامیت‌خواه و خفقان‌طلب بدانیم. ارتش سایه‌ها نوستالژی‌ایست از روزهایی که آدمیزاد جرئت مرگ را به آغوش کشیدن داشت. ابراز ارادت به جوانی دوردست که آموخته بود خرگوش‌وار ندویدن را.

«نامقدس»

چند کلمه در ستایش فیلم سینمایی ارتش سایه‌ها

سید علیرضا هاشمی بافقی
دندانپزشکی ۹۷



«ای خطرات بد! در هر حال خوش آمدید. شما جوانی دوردست من هستید.»

۶ صبح اکتبر ۱۹۴۲ ماتم آسمان فرانسه را گرفته. روی زمین سرد خیابان de la Grande Armee (ارتش بزرگ) نشسته‌ایم و به طاق پیروزی و در پس آن سایه‌ی چند درخت از شانزله‌یژه نگاه می‌کنیم. یک دسته کلاغ در دوردست‌ها به پرواز در آمده‌اند و اینقدر دورند که صدایشان حتی در این سکوت سحری شنیده نمی‌شود. سکوت با صدای قدم‌های محکم یک دسته می‌شکند و به صدای کلاغ‌های دوردست می‌پیوندد. مارش نظامی آلمان‌ها بلند و بلندتر می‌شود. از شمال وارد میدان اتووال (شارل دوگل امروز) می‌شوند در مجاورت مرکز آرک به سمت غرب، یعنی سمت ما، تغییر جهت می‌دهند. قدم‌هایشان محکم‌تر می‌شود، سکوت سحر فراموش شده و فرانسه بدون کلمه‌ای، رو به روی دوربین ژان پیر ملویل اشغال می‌شود.



کیلومترها دورتر ژربیه خونسرد و آرام به بیرون نگاه می‌کند. باران به پنجره‌های نرده کشیده‌ی خودروی حمل زندانی برخورد می‌کند. و نتورا و ژربیه از هم جوشیدن را آغاز می‌کنند. نیمی از چهره‌ی ژربیه درون سایه فرو رفته. لبخند ملایمش هم‌کلام ژاندارم می‌شود. ژربیه اجازه نمی‌دهد دست‌های دستبند خورده‌اش حقارتی که در وجودش یافت نمی‌شود را به او تحمیل کنند.

ژربیه به آسایشگاه منتقل می‌شود و مدتی بعد، حین انتقال، با تیزهوشی از جنگ گشتاپو می‌گریزد. از گلوله‌ها فرار می‌کند و از آشوب و سر و صدای نگهبان‌ها دور می‌شود. می‌دود. دوربین همراهش شده و ملایمت برفی که می‌بارد

هنرهای نازیبا

امیررضا شهینی
پزشکی ۴۰۳



ظهر روز یکشنبه، انتشار بیانیه روابط عمومی دانشگاه تهران درباره توقف «هفته دیزاین» موجی از سردرگمی ایجاد کرد؛ سردرگمی‌ای که بیش از هر چیز به دلیل توضیحات ناقص درباره علت توقف شکل گرفت. در حالی که انتظار می‌رفت در این اطلاعیه، همانند اعلامیه قبلی، به حواشی شکل گرفته پیرامون رویداد اشاره شود، بدون هیچ اشاره‌ای به آن رخدادها، دلیل توقف «استقبال بیش از ظرفیت» عنوان شد. این موضوع پرسش‌های جدی‌ای را درباره دلایل واقعی این توقف زود هنگام برانگیخت.

عصر همان روز، موضع‌گیری تند بسیج دانشجویی هنرهای زیبا علیه هفته دیزاین، آتش بحث‌ها را شعله‌ورتر کرد. انتقاد از کیفیت آثار و تعبیر این رویداد به عنوان عامل «سرگرمی‌های ناهنجار»، هم‌زمان با توقف برنامه، توجه‌ها را به ارتباط احتمالی میان این انتقادات و تصمیم دانشگاه جلب کرد.

پرونده ویژه این هفته با بازخوانی روند شکل‌گیری حواشی و واکنش‌ها، می‌کوشد تصویری واقع‌بینانه از آنچه رخ داده ارائه دهد.

۱. شکل‌گیری هفته دیزاین

ایده «هفته دیزاین» در سال ۱۳۹۸ و ابتدا با تمرکز بر حوزه مبلان و با هدف ترویج و گسترش دیزاین ایرانی شکل گرفت و به تدریج دامنه و اهداف گسترده‌تری یافت. سال گذشته این رویداد با عنوان «سال صفر» و به صورت آزمایشی برگزار شد؛ محدودیتی که دلیل آن «آماده نبودن زیرساخت‌های لازم» عنوان شد. مهم‌ترین چالش این دوره، در دسترس نبودن رویداد برای عموم و محدود ماندن آن در قالب یک نمایشگاه تخصصی بود. در هفته دیزاین ۴۰۴ تلاش شد با افزودن بخش‌های شهری و هم‌زمانی برنامه با رونمایی از محصولات و حضور در فضای دانشگاه، پیوندی میان صنعت، هنر و دانشگاه برقرار شود.

۲. آغاز حساسیت‌ها

روز جمعه، ویدیویی کوتاه از هفته دیزاین در رسانه‌ها منتشر شد که به سرعت وایرال شد. انتشار این ویدیو موجی از بحث‌های گسترده را در شبکه‌های اجتماعی رقم زد. گروهی موسیقی انتخاب شده را چالش برانگیز دانسته و به پوشش اکثریت حاضر ایراد وارد کردند و آن را حاصل ضعف مدیریت دانستند. در همین حال گروهی دیگر از پیوند ایجادشده میان دانشگاه و جامعه در این رویداد دفاع کردند.

سه روز بعد، روابط عمومی دانشگاه تهران در اطلاعیه‌ای دیر هنگام اعلام کرد ویدیو تنها مربوط به تعداد محدودی از بازدیدکنندگان بوده و پوشش اکثریت مطابق قوانین بوده است. با این حال، این ویدیو زمینه‌ساز درخواست‌ها و بحث‌های گسترده درباره توقف رویداد شد.

۳. پایان زود هنگام

روز یکشنبه، روابط عمومی دانشگاه تهران با انتشار اطلاعیه‌ای رسمی از توقف زود هنگام هفته دیزاین و لغو دو روز پایانی آن خبر داد. در این اطلاعیه، علت اصلی این تصمیم «استقبال بسیار فراتر از پیش‌بینی» و «اختلال در برنامه‌های عادی دانشگاه» عنوان شد. دانشگاه با اشاره به جلوه‌های نوری و صوتی برنامه، تراکم غیرمنتظره جمعیت را خطر ساز دانست و ادامه برگزاری را ناممکن اعلام کرد. با وجود تأکید اطلاعیه بر ازدحام جمعیت، هم‌زمانی این تصمیم با اوج‌گیری بحث‌ها پیرامون ویدیوی منتشرشده، پرسش‌ها درباره دلایل واقعی

توقف را تقویت کرد.

۴. انعکاس‌های دانشجویی

هم‌زمان با توقف هفته دیزاین، مجموعه‌ای از واکنش‌های دانشجویی منتشر شد. علاوه بر بسیج دانشجویی هنرهای زیبا، بسیاری از واحدهای بسیج در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران در شبکه اجتماعی «ایکس» علیه ماهیت رویداد موضع گرفتند. این واکنش‌ها عمدتاً با هشتگ «استحاله دانشگاه» همراه بود؛ هشتگی که بار معنایی ویژه‌ای در توصیف این رویداد ایجاد می‌کرد. در مقابل، انجمن‌های علمی دانشجویی دانشکدگان هنرهای زیبا در بیانیه‌ای رسمی اعلام کردند توقف رویداد «صرفاً به دلیل مسائل اجرایی و ایمنی» بوده و ارتباطی با حواشی اخیر ندارد.

انجمن اسلامی هنرهای زیبا نیز موضعی مشابه اتخاذ کرد و ضمن تأکید بر بی‌ارتباط بودن علت توقف با حواشی، از «امنیتی‌سازی مصنوعی» و «برچسب‌گذاری فعالیت‌های علمی و هنری» انتقاد کرد. این تشکل هشدار داد چنین مداخلاتی فضای تجربه و خلاقیت دانشجویی را محدود می‌کند.

اما واکنش انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران فراتر رفت. این تشکل در بیانیه خود، برخلاف دو تشکل دیگر، توقف رویداد را نتیجه «فشار نهاد‌های فرادانشگاهی» دانست. در این بیانیه تعطیلی برنامه نشانه‌ای از «دور شدن دانشگاه از نقش اجتماعی خود» توصیف شد و این روند «نه از سر کوفته‌فکری، بلکه عاقدانه و مغرضانه» تعبیر شد.

این تشکل هشدار داد چنین تصمیماتی نه تنها به بازسازی مرجعیت دانشگاه کمکی نمی‌کند، بلکه «اندک اعتماد باقی‌مانده» را نیز از میان می‌برد و در حافظه جمعی دانشگاه به عنوان «نشانه‌هایی از هراس و ارتجاع» ثبت خواهد شد.

۵. ابهامات باقی‌مانده

با وجود بیانیه‌های متعدد دانشجویی و جدل‌های شکل گرفته، همچنان نبود شفاف‌سازی از سوی دانشگاه درباره ارتباط احتمالی میان تعطیلی هفته دیزاین و حواشی اخیر، به استمرار بحث‌ها در محافل دانشجویی دامن زده است. امید می‌رود با انتشار بیانیه‌ای رسمی از سوی دانشگاه، ابهامات موجود درباره این موضوع برطرف شود.

17 Nov • بسیج دانشجویی حوزه خوابگاه...



زمانی که دلسوزان علم و فرهنگ با فشار خود جلوی علم‌زدایی از دانشگاه را گرفته اند، به جای عذرخواهی از دانشجویان و ساحت مقدس علمی دانشگاه، از کسانی که وقیحانه دانشگاه را به ابتذال کشانده اند عذرخواهی میکنند ریاست دانشکده #هنرهای زیبا باید پاسخگوی این ابتذال و استحاله دانشگاه باشد

16 Nov • بسیج دانشجویی | هنرهای زیبا



#هفته دیزاین در پردیس هنرهای زیبا نماد به محاق رفتن استانداردهای علمی و انضباطی است.

کیفیت نازل کپی کاربهای پر زرق و برق در کنار ورود بی ضابطه، دانشگاه را به محلی برای سرگرمیهای ناهنجار تبدیل کرده مکانی برای اجاره شدن که تنها خاصیتش پر کردن جیب افراد است.

استحاله دانشگاه #

زن بودن!

فاطمه مقدمیان

پزشکی ۴۰۲



زنان هر روز در خانه، دانشگاه، محل کار، خیابان و جای جای این شهر با چیزهایی دست و پنجه نرم می کنند که ممکن است هر بار لحظه ای بایستند و در دلشان زمزمه کنند: «کاش زن نبودم». و یا گاهی «کاش زن بودن در این شهر، طور دیگری بود».

ستون «زن بودن» سلسله روایات زنان از مواجهه آنان با چالش روزمره شان است. شاید به قلم در آوردن این روایات در نگاه نخست به قصه گویی ساده شبیه باشد، اما شنیدن روایات زنان جدای از اهمیت ثبت تاریخی آن، اهمیت روانشناختی دوسویه دیگری نیز دارد: نجی که گوینده به زبان (کاغذ) می آورد، به رسمیت شناخته می شود، رخت «دغدغه» بر تن می کند و پرسشی را برای پرسیدن و مسئله ای را برای حل کردن به میان می آورد. خواننده ای که با این روایات مواجه می شود، گاهی هرگز آن تجربه را زیست نکرده است؛ در این مثال به خصوص مردانی که اغلب تجربه آزار خیابانی، تعرض، تجاوز، برخوردهای تند علیه پوشش را تجربه نکرده اند یا زنانی که ممکن است به هزاران دلیل در این باره تجربه مشترک یا امکانی برای همدلی نداشته باشند. خواندن این روایات فرصتی است برای تجربه داستان هایی که هرگز زیست شان نکرده ایم و شاید در هیچ موقعیت دیگری فرصت صبورانه و همدلانه شنیدنشان را پیدا نکنیم. «زن بودن»، درنگ کوتاهی است برای همدلی، پرسشگری و انتقاد فعال.

آن روز چه شد؟

اپیزود اول: سلسله روایات مربوط به پوشش.

روایت دوم: گلناز

یک بار در آلاچیق های دانشکده داروسازی بودیم. آخرین امتحان را داده بودیم و قرار بود برویم بگردیم، اما به خاطر شرایط پریودی و دل درد شدید من نتوانستیم. تصمیم گرفتیم همان جا بنشینیم و یک ساندویچ سفارش بدهیم. منتظر بودیم غذا برسد و من اصلاً متوجه نبودم شالم از سرم سر خورده است. یک حراست کم سن و سال از دور می آمد و همین طور که نزدیک می شد به من زل زده بود. همان لحظه من تازه متوجه شالم شدم و قبل از اینکه چیزی بگویم، خودم شالم را سرم کردم. آمد، اظهار داد و گفت: «دفعه بعد می برمت حراست و کمیته!» گفتم «باشه»، چون واقعاً نه حال مناسبی داشتم، نه توان اینکه روز آخرین امتحان را از این بدتر کنم. رفت، اما چند لحظه بعد دیدیم با یک آقای مسن تر برگشت. مرد مسن گفت: «کارت تو بده.» بعد هم شروع کرد: «تو چند باره اینجا شالت افتاده، من دیدمت، حرف گوش نمی کنی!» این در حالی بود که اصلاً معلوم نبود چطور ایشان من را چند بار دیده و چطور مطمئن بود که «همیشه همین طوری ام». حتی برای آن دانشکده هم نبودم.

روایت اول: بهار

چند روز پیش می خواستم وارد دانشگاه شوم که حراست بهداشت اجازه نداد. در حالی که لحظاتی قبل در ساختمان روبه رو که آن هم متعلق به دانشکده بهداشت است بودم و هیچ کس درباره پوشش چیزی نگفته بود. کارت را خواست، دادم. بعد به لباسم نگاه کرد و گفت: «لباست خیلی کوتاهه، نمی دارم بری تو.» لباسم نه کوتاه بود و نه نامتعارف؛ بارها با همین لباس به دانشگاه آمده بودم اما هرچه توضیح دادم، فایده نداشت. در نهایت گفت از ورودی دانشکده پزشکی وارد شوم اما خودشان به آنجا اطلاع دادند که اجازه ورودم را ندهند. وقتی رسیدم، آن جا هم گفتند: «نمیشه وارد شی، لباست کوتاهه.» هرچه گفتم عجله دارم، کاری دارم، نپذیرفتند. گفتند فقط در صورتی می توانم وارد شوم که روپوش بپوشم و تأکید کردند: «داخل رفتی هم درش نیاری.» روپوش را پوشیدم و رفتم سمت دانشکده بهداشت. اما همان جا دوباره گیر دادند که «از اون در رفتی وارد شدی؟» جوری نگاهم می کردند انگار کاری عجیب کرده باشم. در آخر هم گفتند گزارش می دهند. من هم گفتم: «گزارش بدید.»

چند خطی با «مخاطبان مرد» صفحه زنان:

سلام!
چشمان شما فقط این خط ها را نمی خواند، شما هر لحظه با پرداختن و شناخت دغدغه زنان، پدر، همسر، پسر و شهروند بهتری هستید.
سرتان سلامت.

وندینگ پدبهداشتی در دانشکده داروسازی!

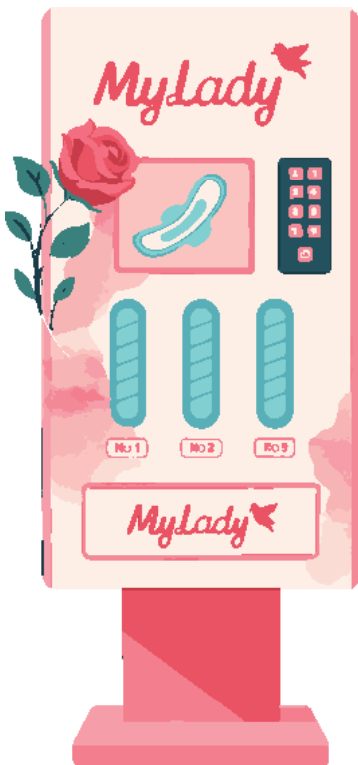
مبینا زارعی

پزشکی ۱۴۰۳



با خرسندی اعلام می‌شود که نخستین وندینگ‌پد بهداشتی در سرویس‌های بهداشتی دانشکده داروسازی نصب و راه‌اندازی شد. اقدامی که اگرچه ظاهراً ساده است، اما معنایی فراتر از یک تجهیز تازه دارد؛ نشانه‌ای از توجه به سلامت، کرامت و آرامش خاطر دانشجویان. این دستاورد بر پایه‌ی نیازسنجی دقیق و مطالبه‌گری مسئولانه شکل گرفت؛ و امید می‌رود نقطه‌ی آغاز روندی باشد که به‌زودی در سایر دانشکده‌ها نیز تداوم یابد. چراکه شایسته است امکانات پایه‌ای دانشگاه، همانند دانش، در همه‌جا به شکلی برابر جریان داشته باشد. امیدواریم این اقدام مثبت، دریچه‌ای باشد برای ارتقای خدمات رفاهی در سطحی گسترده‌تر.

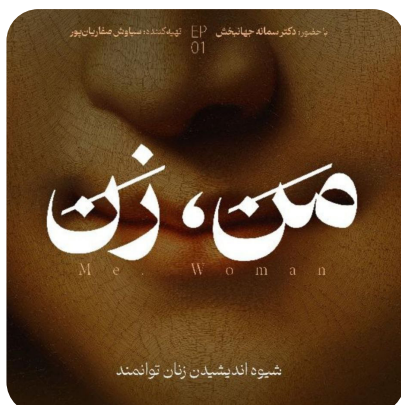
امیدواریم به همین زودیا درباره سایر دانشکده‌های علوم پزشکی هم همین خبر رو منتشر کنیم.



تابلوی کائنات

بشنویم...

پادکست «من، زن»، حاصل مطالعات و توجه سه‌گانه جهان‌بخش متخصص روانشناسی است که در پی دغدغه شخصی او برای توانمندسازی زنان امروز ایران است. او بر این باور است که تغییرات بنیادی بیرونی جامعه بدون تغییر در درون ما نه‌اصیل است و نه ماندگار. در این پادکست سیواوش صفاریان‌پور در گفت‌وگو با این متخصص روانشناسی در پی واکاوی جنبه‌های روانشناختی زنان توانمند است.



بخوانیم...

چرا شد محواز یاد تو نامم؟ نمونه‌ی اعلای یک کتاب علمی درباره‌ی زنان است که افسانه نجم‌آبادی، نظریه‌پرداز و تاریخ‌نگار ایرانی - آمریکایی در آن به بازخوانی اسناد و مدارک تاریخی می‌پردازد تا به خواننده‌ی امروزی نشان دهد چگونه نقش زنان ایرانی در نوشته‌شدن تاریخ به حاشیه رانده شد. او از گمشدگانی سخن به میان می‌آورد که تاریخ‌نگاران در قبال آن‌ها کم‌کاری کرده و نادیده‌شان گرفته‌اند. کتاب چرا شد محواز یاد تو نامم؟ ۹ مقاله را در برمی‌گیرد. خواننده‌ی امروزی با مطالعه‌ی مقالات جذاب این کتاب از موضوعات مهمی آگاه می‌شود؛ برای مثال چه شد که مدرنیته با

اسلام‌ستیزی و اسلام با سنت‌گرایی معادل شد، چه شد که دوگانگی بین زن آزادی‌خواه و زن دینی به دو مقوله‌ی متخاصم تبدیل شد، چه شد که امروز برای افراد دشوار است که هم خود را فمینیست بدانند و هم مسلمان.

افسانه نجم‌آبادی باتکیه‌بر نوشته‌های زنان و اسناد و مدارک تاریخی نشان داد که مرزبندی‌های موجود، ذاتی اسلام و فمینیسم نیست؛ بلکه حاصل فضای فرهنگی و سیاسی خاصی در دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران است.



چرا شد محواز یاد تو نامم؟
افسانه نجم‌آبادی | سرچیده شیرین کریمی
Is Our Name Remembered?
Afshaneh Najmabadi | Shirin Karimi

اندیشه سیاسی اسپینوزا

از وحدت‌گرایی تا دموکراسی مدرن

سپینتا غلامپور

پژشکی ۴۰۱



در بخش پیشین، به بررسی دیدگاه‌های دکارت و اسپینوزا درباره رابطه ذهن و بدن پرداختیم. دکارت با دوگانه‌انگاری خود، جهان را به دو جوهر مستقل تقسیم می‌کرد، اما اسپینوزا با وحدت‌گرایی، ذهن و بدن را دو صفت از یک جوهر واحد می‌دید. این نگرش فلسفی، که در کتاب اصلی اسپینوزا یعنی «اخلاق» (Ethica)، منتشر شده در ۱۶۷۷ پس از مرگش) به تفصیل آمده، نه تنها یک بحث انتزاعی است، بلکه پایه‌ای برای اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی او فراهم می‌کند. در «اخلاق»، اسپینوزا جهان را به عنوان یک نظام واحد علی توصیف می‌کند که همه چیز، از جمله انسان، بخشی از طبیعت الهی و تابع قانون علیت است. ذهن و بدن نه مخالف یکدیگر، بلکه دو راه برای درک همان واقعیت هستند. این وحدت، انسان را از قید دوگانه‌انگاری آزاد می‌کند و او را به عنوان موجودی طبیعی در نظر می‌گیرد که تحت قوانین علی طبیعت عمل می‌کند.

جذابیت نظری اسپینوزا دقیقاً در اینجاست که او به «سوژه» مستقل (مانند یک «من» جدا از جهان که تصمیمات آزادانه می‌گیرد) باور ندارد؛ در عوض، انسان را مثل یک ماشین پیچیده می‌بیند که تحت قوانین ضرورت و علت و معلولی کار می‌کند، اما این دیدگاه نه ناامیدکننده، بلکه قدرتمند است، زیرا آزادی واقعی را در درک و پذیرش این ضرورت‌های علی می‌جوید.

این دیدگاه فلسفی، پله پله با روش هندسی-منطقی به سیاست مرتبط می‌شود. اسپینوزا باور داشت که انسان‌ها، مانند سایر اجزای طبیعت، به دنبال حفظ وجود خود (conatus) هستند. این اصل، نشان می‌دهد که رفتارهای انسانی نه از اراده آزاد مطلق، بلکه از ضرورت‌های طبیعی و علی ناشی می‌شود. بنابراین، جامعه و دولت باید بر اساس این ضرورت‌ها بنا شوند، نه بر پایه روایت‌های مسیحی یا سلطه‌های خودسرانه. اسپینوزا در کتاب رساله الهی-سیاسی (Tractatus Theologico-Politicus)، منتشر شده در ۱۶۷۰ به صورت ناشناس)، این ایده را گسترش می‌دهد. او استدلال می‌کند که کتاب مقدس نباید به عنوان منبع قدرت سیاسی استفاده شود، بلکه باید با عقل تفسیر گردد. اسپینوزا، که خود یهودی تبار بود و از جامعه یهودی آمستردام طرد شده بود، در این رساله، از آزادی بیان و تفکر دفاع می‌کند. او با توجه به تنش‌های مذهبی زمانه خود مطرح می‌کند که دولت نباید در امور مذهبی دخالت کند، زیرا مذهب امری شخصی است و سرکوب آن، تنها به ناآرامی منجر می‌شود.

در رساله الهی-سیاسی، اسپینوزا با بررسی تاریخ عهد عتیق، نشان می‌دهد که حتی دولت‌های الهی، مانند دولت موسی، بر پایه قرارداد اجتماعی طبیعی بنا شده‌اند، نه حکم الهی مطلق. او تأکید می‌کند که قدرت دولت از مردم ناشی می‌شود و هدف آن، حفظ صلح و آزادی است.

او برخلاف هابز و لاک، این تفکر را ندارد که با قرارداد اجتماعی، فرد از حالت طبیعی بع حالت مدنی می‌رسد بلکه اسپینوزا، این را صرفاً امتدادی از حالت طبیعی می‌بیند، به هم پیوستن بدن‌ها و شکل دادن به یک انبوهه سیاسی قدرتمند که نه بر اساس اهداف آرمانی بلکه به دلیل قدرت است.

به این ترتیب می‌توان اسپینوزا را شاگرد راستین ماکیاوولی دانست که برخلاف ماکیاوولی که مخاطبان کتابش شهریاران و حاکمان بودند، مخاطب اسپینوزا مردم و روشنفکرانند.

اما این ایده‌ها، اسپینوزا را به حاشیه راند. کتاب رساله الهی-سیاسی بلافاصله پس از انتشار، ممنوع اعلام شد. کلیسا و دولت‌های اروپایی، آن را کفرآمیز می‌دانستند، زیرا مسیحیت را از پایه قدرت سیاسی جدا می‌کرد. اسپینوزا به چیزهای مختلفی متهم شد اما این قدر بخت‌یار بود که به سر نوشت برونو دچار نشود که قرن پیش با عقاید مشابه، سوزانده شد.

این ممنوعیت کتب اسپینوزا، تا اواخر قرن هجدهم ادامه یافت. حتی در هلند لیبرال، جایی که اسپینوزا زندگی می‌کرد، کتاب‌هایش زیرزمینی توزیع می‌شدند. دلیل این ممنوعیت، تهدیدی بود که اندیشه او برای ساختارهای قدرت ایجاد می‌کرد.

اسپینوزا در کتاب ناتمام رساله سیاسی (Tractatus Politicus)، منتشر شده پس از مرگش در ۱۶۷۷)، این ایده‌ها را به صورت عملی‌تر بررسی می‌کند. او سه نوع دولت را توصیف می‌کند: سلطنتی، اشرافی، و دموکراتیک. در همه، تأکید بر تعادل قدرت است. اسپینوزا می‌گوید که بهترین دولت، دموکراسی است، زیرا قدرت را بین مردم تقسیم می‌کند و از تمرکز آن جلوگیری می‌نماید. این دیدگاه، از اصل (حفظ وجود خود) conatus در «اخلاق» ناشی می‌شود: هر فرد به دنبال قدرت بیشتر است، اما جامعه باید این تمایلات را هماهنگ کند تا به جای نابودی، به پیشرفت منجر شود. در رساله سیاسی، او استدلال می‌کند که آزادی بیان، ضروری برای ثبات دولت است، زیرا سرکوب، تنها به شورش می‌انجامد.

این، پایه‌ای برای حقوق بشر مدرن شد. متفکرانی مانند جان لاک و ژان-ژاک روسو، از ایده‌های او الهام گرفتند، هرچند مستقیماً به او اشاره نمی‌کردند به دلیل ممنوعیت کتاب‌هایش.

تا انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹، کتاب‌های اسپینوزا همچنان ممنوع بودند. انقلابیون فرانسوی، مانند ولتر و دیدرو، او را احیا کردند.

ایده‌های او در اعلامیه حقوق بشر و شهروند بازتاب یافت: آزادی مذهب، آزادی بیان و جدایی دین از دولت.

جمع‌بندی: در نهایت، اندیشه اسپینوزا نشان می‌دهد که چگونه یک بحث فلسفی مبتنی بر علیت، می‌تواند پایه‌ای برای آزادی سیاسی و اجتماعی باشد. او با دیدن انسان به عنوان بخشی از طبیعت - نه یک سوژه مستقل، بلکه ماشینی قدرتمند تحت قوانین علت و معلولی - راهی برای ساخت جوامع دموکراتیک باز می‌کند. امروز، در دنیایی پر از تنش‌های هویتی و سیاسی، ایده‌های اسپینوزا همچنان الهام‌بخش است: خواست قدرت نه برای سلطه، بلکه برای هماهنگی و آزادی. این متفکر، با کتاب‌های ممنوعه‌اش، هنوز صدای مدرنیته را فریاد می‌زند.

فراخوان

چهاردهمین دوره مسابقات ملی

مناظره دانشجویان ایران

مرحله دانشگاهی - علوی پژوهشی تهران

ارت گزیده‌های معتبر از طرف سازمان

جهاد دانشگاهی، علوی پژوهشی تهران



برای ثبت نام کد QR
رویه ن در اسکن کنید

مسابقات مناظره
زمن مسابقات نیمه‌آزاد

بayan javanesh | @bayan_javanesh

آغاز چهاردهمین مناظره ملی دعوت به رویارویی اندیشه‌ها

معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی برگزار میکند چهاردهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان آغاز شد؛ رقابتی برای گفت‌وگوی حرفه‌ای و استدلالی با دیدگاه‌های متفاوت.

چهاردهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران آغاز شده است؛ رویدادی که گفتگو را از هیجان‌های لحظه‌ای دور می‌کند و در چارچوبی منظم، مستند و استدلال‌محور قرار می‌دهد. در این رقابت، شرکت‌کنندگان می‌آموزند با دیدگاه‌های مختلف - حتی کاملاً مخالف - وارد گفت‌وگویی دقیق و موثر شوند، استدلال بسازند، شواهد ارائه کنند و پاسخ‌های سنجیده و قابل دفاع بدهند.

مناظره حرفه‌ای بر شفافیت، نظم، شنیدن فعال و استدلال متکی است. تأکید این دوره بر تقویت توان تعامل با تفکرهای متنوع و ارتقای قدرت تحلیل دانشجویان است؛ مهارتی که برای جامعه امروز ضروری‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

اگر به دنبال تقویت بیان، تفکر ساخت‌یافته و تجربه‌کردن یک فضای واقعی گفت‌وگوی رقابتی هستی، این مسابقه فرصت مناسبی برای توسعه ثبت‌نام آغاز شده و صحنه آماده است برای تیم‌هایی که با دقت فکر می‌کنند و روشن حرف می‌زنند. اگر آماده‌ای وارد یک چالش واقعی فکری شوی، ثبت‌نام باز است.